

ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام اسلامی: تحلیلی آسیب‌شناسانه از دولت‌سازی اسلامی در الگوی مردم‌سالاری دینی

علی طوسی*

محمدحسین طاهری**

چکیده

موضوع مقاله، ضرورت دستیابی به استلزامات ساخت اسلامی نهاد «دولت» در جمهوری اسلامی است. پرسش اصلی این است که «بحران‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی در چه خلأ راهبردی‌ای ریشه دارند؟» در پاسخ به سؤال یادشده با استفاده از «روش‌شناسی بحران» (اسپریگنز) و با استناد به اندیشه سیاسی - اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای به این نتیجه دست یافته‌ایم که ناتمام‌ماندن مراحل ساخت درونی قدرت در نظام سیاسی کشور، خاستگاه آسیب‌های متعدد اجتماعی جامعه ایران بوده است؛ این نقص نیز به‌نوبه خود در عدم کفایت ملاک‌های اسلامیت در پنج عنصر: «منش و روش دولت‌مردان»، «ساختارها، نهادها و بنیان‌ها»، «نظامات»، «ترم‌افزارها» و «الگوها» ریشه دارد. تأمین شاخص‌های اسلامیت در عناصر مذکور موجب ساخت اسلامی دولت در نظام مردم‌سالاری دینی شده و کارآمدی نظام سیاسی اقتصادی اسلام در اداره جامعه را بیش‌ازپیش هویدا خواهد ساخت.

واژگان کلیدی

دولت‌سازی اسلامی، مردم‌سالاری دینی، آیت‌الله خامنه‌ای، نظام اسلامی.

alitoussi@khu.ac.ir
mh.taheri1905@gmail.com
پذیرش ۱۳۹۸/۶/۲۷

* . استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی. (نویسنده مسئول)
** . دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام.
تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱/۳۰

طرح مسئله

اداره مطلوب جامعه نیازمند اعمال حاکمیت در چارچوب یک نظام سیاسی مشروع، کارآمد و پایدار است؛ از این رو شناسایی آسیب‌هایی که مشروعیت، کارآمدی و پایداری نظام سیاسی جامعه را به چالش می‌کشند، همواره حائز اهمیت فراوانی بوده است. این امر در اندیشه سیاسی اسلام دارای جایگاه بسیار مهمی است؛ تاجایی که پیامبر مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَصِيحَّ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳) این مسئله در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی، که مقدرترین نظام سیاسی مطلوب اسلامی در عصر غیبت امام معصوم تلقی می‌شود، نیز مورد توجه است. رهبر معظم انقلاب اسلامی قشر حساس و مؤثر جامعه را مخاطب خود قرار داده و از آنها خواسته است که نسبت به مسائل نظام اسلامی، چالش‌های آن و راه‌های برون‌رفت از این میدان‌های آزمون و ابتلایات اجتماعی، خالصانه بیندیشند و یافته‌های خود را صادقانه در اختیار نظام اسلامی قرار دهند. (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

به این ترتیب ما در مواجهه با آسیب‌های نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی با این پرسش‌ها روبه‌رو هستیم: مهم‌ترین چالش و بزنگاه آسیب‌زای نظام اسلامی چیست و برای رفع آن، چه باید کرد؟ چرا با وجود گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، سبک زندگی اسلامی به‌نحو مطلوب در جامعه ما شکل نگرفته است؟ آیا انقلاب اسلامی در مسیر اهداف خود حرکت روبه‌رشدی داشته یا در حال افول است؟ آیا شیوع معضلات اجتماعی مثل اختلاس، ارتشا، رانت‌خواری، پول‌شویی، طلاق، فحشا، دروغ، سرقت و ... نشان از آن دارند که انقلاب در مسیر دستیابی به اهداف متعالی خود ناکام مانده است؟! اگر جز این است، چگونه می‌توان یک ارزیابی واقع‌بینانه از حرکت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌دست آورد؟ لازمه پاسخ‌گویی به این قبیل سؤالات، برخورداری از نگاه عمیق و راهبردی است؛ نگاه کلانی که بتواند از جزئیات رهن و آشفتگی‌آفرین و دست‌وپاگیر فراتر برود و با کندوکاو در ریشه اختلالات و بی‌نظمی‌ها، خاستگاه بنیادین بحران‌ها را کشف نماید. (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴)

این مقاله می‌کوشد تا ضمن مطالعه سیر پیدایش و تکوین انقلاب اسلامی در چارچوب کلان‌ترین نقشه راه رهبر معظم انقلاب، جایگاه فعلی انقلاب اسلامی را در این نقشه پیدا کرده و خاستگاه بنیادین اختلالات سیاسی و اجتماعی کشور را معرفی نماید. این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی «بحران‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی در چه خلأ راهبردی ریشه دارند؟»، مدعی است که ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کشور را در عدم کفایت ملاک‌های اسلامیت در ساخت دولت مردم‌سالار باید جستجو کرد؛ چراکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام اسلامی، هنوز دولت اسلامی در این کشور تحقق نیافته است. مراد از دولت، کلیه دستگاه‌های حاکمیتی تحت اشراف نظام اسلامی می‌باشد؛ لذا نباید آن را با قوه مجریه اشتباه گرفت. به این ترتیب برای عبور از این بحران‌ها باید در عناصر ساخت اسلامی دولت به ملاک‌های روشن اسلامی دست یافت. اگر عناصری وجود ندارند، باید آنها را ایجاد کرد؛ اگر در برخی عناصر اشتباه و خطایی وجود دارد، آن را باید اصلاح نمود؛ و در صورت ضعف یک عنصر، باید به تقویت آن پرداخت. برای اثبات این مدعا، به اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای استناد کرده و یافته‌های تحقیق را در چارچوب «روش‌شناسی بحران اسپریگنز» ارزیابی و تحلیل خواهیم نمود.

جایگاه دولت‌سازی در نقشه راه انقلاب اسلامی

پنج مرحله «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) یک زنجیره منطقی و نقشه راه حرکت تکاملی انقلاب اسلامی تا رسیدن به افق بلند و آرمانی انقلاب است که آیت‌الله خامنه‌ای مکرراً آن را در سال‌های مختلف مطرح کرده و موقعیت فعلی نظام سیاسی کشور را در آن نقشه جایابی نموده‌اند. (۱۳۷۰/۱۱/۰۴؛ ۱۳۷۵/۰۹/۱۹؛ ۱۳۷۹/۰۷/۱۴؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲؛ ۱۳۷۹/۰۹/۲۱؛ ۱۳۸۰/۰۹/۰۶؛ ۱۳۸۳/۰۸/۰۶؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸؛ ۱۳۸۵/۰۷/۲۵؛ ۱۳۸۷/۰۷/۰۷؛ ۱۳۸۷/۰۷/۲۴؛ ۱۳۹۰/۰۷/۰۶؛ ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) اساساً کارکرد رهبری در نظام اسلامی نیز سرپرستی حرکت کلی نظام در راستای این نقشه پنج مرحله‌ای است.

ولایت فقیه ... یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیشرونده ... و یک مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست ... به این معناست که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است ... (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

انقلاب اسلامی در چارچوب فرآیند تحقق اهداف اسلامی، همچون یک موجود زنده بالنده در حال «شدن» است که باید زمینه‌های لازم برای صیوریت صحیح و کامل آن را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی نظام لحاظ کرد. نقشه راه فوق، گواه این واقعیت است که گام نخست نهضت مبارزاتی مردم ایران با پیروزی در سال ۱۳۵۷ به سامان رسید و «انقلاب اسلامی»^۱ به‌دست آمد؛ سپس وارد مرحله تحقق بخشیدن به «نظام اسلامی»^۲ شد و با تصویب قانون اساسی در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ نیز با موفقیت از آن عبور کرد و وارد مرحله ساخت «دولت مطلوب اسلامی»^۳ شد. اکنون سال‌هاست که مجموعه نظام سیاسی کشور و کنش‌گران مدنی در حال ساخت دولت اسلامی هستند. (همو، ۱۳۹۰/۰۹/۱۲؛ ۸۰/۰۹/۲۱؛ ۹۲/۰۶/۰۶ و ۹۵/۰۲/۰۶) به‌شرط عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله، نظام سیاسی کشور به «جامعه نمونه اسلامی»^۴ و در نهایت به بنای شامخ «تمدن نوین اسلامی»^۵ نیز دست خواهد یافت و اهداف متناسب با آن مراحل را نیز تحقق خواهد بخشید. عبور موفقیت‌آمیز از مرحله دولت اسلامی به این معناست که شاخص‌های اسلامیت در عناصر دولت‌سازی، از کیفیت و کمیت قابل دفاعی برخوردار باشند.

روش‌شناسی بحران

در این پژوهش، چارچوب پیشنهادی توماس اسپریگنز (اسپریگنز، ۱۳۹۲) یعنی «روش‌شناسی بحران» را به‌عنوان روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق انتخاب کرده‌ایم. انتخاب این چارچوب از آن‌رو بوده است که برای استخراج منطق درونی اندیشه‌های سیاسی، فرآیند استدلالی مناسبی را ارائه می‌کند. در روش‌شناسی بحران باید چهار مرحله را مورد مطالعه قرار داد: مرحله «مشاهده بحران» یا گزارش اندیشه‌مند سیاسی از بحران‌های موجود در جامعه هدف؛ مرحله «ریشه‌یابی بحران» یا اجتهاد اندیشه‌مند سیاسی در پی بردن به ریشه اصلی و خاستگاه کلیدی بحران‌ها؛ مرحله «ترسیم نظم آرمانی» یا تصویری که آن اندیشه‌مند از وضعیت مطلوب در سر می‌پروراند؛ و در نهایت مرحله «راه درمان» یا نقشه راه رسیدن به آن نظم آرمانی. (همان)

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای با این نکته برجسته مواجهیم که فقدان نهاد قدرت اسلامی، خاستگاه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در جوامع اسلامی است. به‌نظر ایشان، نهاد قدرت اسلامی اولاً باید برخاسته و منبعث از آموزه‌ها و معارف متقن الهی باشد؛ ثانیاً خود را متولی پیاده‌سازی و بسط احکام اسلامی بداند و از دل منابع آسمانی برای مسائل متلابه روز بشر در زمین پاسخ‌گانه‌کننده و کارآمد استخراج نماید. فقدان نهاد قدرت اسلامی (دولت مطلوب اسلامی) موجب ریشه گرفتن تربیت‌های غیراسلامی در جوامع اسلامی شده و عرصه را برای زیست اسلامی تنگ و مضیق نموده است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳) نظم مطلوب و آرمانی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از: بنای شامخ تمدن نوین اسلامی؛ که پس از طی شدن گام‌های پنج‌گانه فرآیند تحقق اهداف اسلامی پیاده خواهد شد. (همو؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴) نقش دولت اسلامی در فرآیند یادشده، ابزارسازی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است. نهاد دولت متولی طراحی و پیاده‌سازی الگوها و ساختارهایی است که موجب فراگیر شدن نظم اجتماعی اسلامی در سرتاسر جهان می‌شود و نظم ارائه‌شده از سوی جهان اسلام را به‌عنوان یک نظم کارآمد و مطلوب در پیش‌روی بشریت قرار می‌دهد. (همو، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶) مهم‌ترین قدم برای این مهم، تربیت کارگزاران اسلامی است که روش و منش آنها بر ملاک‌های اسلامی قابل تطبیق باشد.

۱. مشاهده بحران

در گام نخست تحقیق در چارچوب روش‌شناسی بحران، باید به احصای دیدگاه اندیشه‌مند موردنظر، پیرامون مشکلات زمانه و چالش‌ها پرداخت و مشخص کرد که - به‌نظر آیت‌الله خامنه‌ای - جامعه با چه مسائل و آسیب‌هایی روبه‌روست. در این مرحله اندیشه‌مند به مشاهده بحران می‌پردازد و گزاره‌هایی دال بر مشاهده‌اش را در اختیار ما قرار می‌دهد. رویکرد آسیب‌شناسانه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای در ارزیابی مشکلات اجتماعی و ریشه‌یابی آنها اتخاذ کرده‌اند، حاکی از آن است

1. Islamic revolution.
2. Islamic system.
3. Demanded Islamic state.
4. Archetype Islamic nation.
5. New Islamic civilization.

که اولاً، ضعف‌های درونی نظام اسلامی، زمینه‌ساز کارساز شدن توطئه‌ها و آسیب‌های طراحی‌شده توسط دشمن بیرونی است. دوم اینکه رفع این آسیب‌ها و ضعف‌ها نیازمند کار و برنامه منسجم از سوی مسئولین ذی‌ربط در نظام جمهوری اسلامی است. سوم اینکه مصادیق موردنظر معظم‌له دارای یک آرایش و نظم منطقی درونی است و توجه به این نظم درونی، در رفع ریشه‌ای این آسیب‌ها و ضعف‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. منطق حاکم بر این آسیب‌ها در جدول شماره یک، به تفکیک ارائه شده است. (همو، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶)

جدول شماره یک

آسیب‌های فرهنگی	آسیب‌های سیاسی	آسیب‌های اقتصادی	آسیب‌های درونی و نفسانی	
غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن	سرگرم شدن به منازعات سیاسی	بی‌مبالاتی نسبت به بیت‌المال	عمل نکردن به وظایف	
غفلت از نفوذ رسانه‌ای دشمن	رفتارهای قبیله‌ای در میدان سیاست	عدم حل مسئله اشتغال	عدم مراقبت از نفس	
نابسامانی در حوزه اخلاق عمومی	...	عدم حل مسئله تورم	دل‌بستگی‌های شخصی	
عدم رواج فضایل اخلاقی		نابسامانی در فرهنگ کار و ساعت مفید	غفلت از روحیه جهادی و ایثار	
رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی	
عدم توقف میل به خشونت جوانان				
مهارنشدن اعتیاد و تهیجیات جنسی				
عدم طرح درست مبانی اعتقادی				
عدم طرح درست مبانی انقلاب				

جدول شماره دو، تکمیل‌شده جدول فوق با مراجعه به دیگر بیانات معظم‌له تا سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

آسیب‌های فرهنگی	آسیب‌های سیاسی	آسیب‌های اقتصادی	آسیب‌های درونی و نفسانی
غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن	منازعات و مشاجرات سیاسی	سوءاستفاده از بیت‌المال	عمل نکردن به وظایف
غفلت از نفوذ رسانه‌ای دشمن	رفتارهای قبیله‌ای در میدان سیاست	اشتغال و بی‌کاری	عدم مراقبت از نفس
نابسامانی در حوزه اخلاق عمومی	آسیب‌های مزمن در نظام اداری	گرانی و تورم	دل‌بستگی‌های شخصی
عدم رواج فضایل اخلاقی	کام‌جویی از قدرت سیاسی	نابسامانی در فرهنگ کار	غفلت از روحیه جهادی و ایثار

آسیب‌های درونی و نفسانی	آسیب‌های اقتصادی	آسیب‌های سیاسی	آسیب‌های فرهنگی
خودخواهی و خودپرستی	مشکلات ناشی از تحریم اقتصادی	رفیق‌بازی و قوم‌و خویش‌پرستی	رواج فرهنگ تجمل‌گرایی
تنبلی و بی‌کارگی و بی‌عملی	اسراف و نبود الگوی مصرف صحیح	عدم اتقان کافی احکام و قوانین	عدم توقف میل به خشونت جوانان
تبعیت از هوی و هوس	مفاسد اقتصادی	عریض و طویل بودن دستگاه قضایی	مهار نشدن اعتیاد و تهییج‌ات جنسی
	رشوه و پارتی‌بازی	عدم تحقق عدالت مطلوب	عدم طرح درست مبانی اعتقادی
	عقب‌ماندگی‌های علمی و صنعتی	اختلال در دستگاه محاسباتی دولت‌مردان	عدم طرح درست مبانی انقلاب
	مشکل اسکان و مسکن جوانان	نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری نظام	وارداتی بودن نظام آموزش و پرورش
	مشکلات جامعه‌کارگری	تفکر تقلیدی در سیاست‌گذاری‌ها	عدم فهم کارساز مباحث اسلامی
	نابسامانی در حوزه بیمه و درمان		تربیت‌های طولانی‌مدت غیراسلامی
			عدم سهولت در امر ازدواج

جدول شماره دو (عناوین مربوط به تاریخ‌های دیگر با رنگ ترام متمایز شده است)

۲. ریشه‌یابی بحران

گام دوم تحقیق در چارچوب روش‌شناسی بحران، راهیابی به فهم و درک صحیح این نکته است که آیت‌الله خامنه‌ای چگونه به ریشه‌یابی بحران زمانه دست می‌زند و مشکلات کثیر را به یک عامل واحد برمی‌گرداند. در واقع گام دوم نشان‌دهنده شیوه راهیابی اندیشه‌مند سیاسی به آبخشور چالش‌های زمانه است و توانایی ایشان در عبور از ظاهر مسائل به ریشه مشکلات را بازتاب می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با جمعی از میهمانان خارجی دهه فجر در سال ۱۳۷۰، موقف راهبردی نظام جمهوری اسلامی را چنین تبیین کرده و لوازم و ضرورت‌های آن را بدین ترتیب شرح داده‌اند:

ما در اول راهیم. آن تصویری که از جامعه اسلامی در ذهن ماست، با وضع کنونی ما فاصله زیادی دارد. ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداریم ... اولین و مهم‌ترین کاری که پیش‌روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسان‌هاست. ما متأثر از تربیت‌های طولانی غیراسلامی هستیم ... در یک صحنه دیگر، ما به فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز برای مسائل دنیای این قرن نیاز داریم ... ما با مسائل بسیاری که وضع زمان و پیشرفت‌های علمی بر ما تحمیل می‌کند مواجهیم ما باید برای این‌ها از متن اسلام جواب پیدا کنیم. (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۴)

این بیان ایشان حاوی چندین نکته کلیدی است:

۱. انقلاب اسلامی در این تاریخ - یعنی سال ۷۰ - در مرحله راهبردی دولت‌سازی اسلامی قرار گرفته و هنوز با تصویر آرمانی معظم‌له فاصله زیادی داشته است. نهضت مبارزاتی مردم ایران در راستای رسیدن به آن تصویر آرمانی، حصار را شکسته و مانعی را از راه برداشته؛ اما هنوز دولت‌سازی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نکرده است. این بیان نشان از آن دارد

که اولین میدان و مهم‌ترین عرصه پیش‌روی انقلاب در این تاریخ، «دولت‌سازی اسلامی» بوده است.
۲. با فرض بالا، هر نقص و مشکلی - و به عبارت صریح ایشان، هر فاصله‌ای از وضعیت مطلوب - که در عرصه عمومی جامعه دیده می‌شود، از عدم تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی نشئت می‌گیرد. البته می‌توان منطقی استدلال کرد که جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نیز در گرو دولت‌سازی است، لذا کلیدی‌ترین عامل آسیب‌زا در این تاریخ، عدم تحقق دولت مطلوب اسلامی بوده است.

۳. در این تاریخ، مهم‌ترین موانعی که برای دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی پیش‌پای انقلاب و نظام اسلامی قرار داشته‌اند، عبارتند از: «تربیت‌های طولانی‌مدت غیراسلامی» و «عدم فهم کارساز از اسلام». به بیان دیگر، مهم‌ترین کاری که نظام اسلامی برای ورود به دولت‌سازی باید انجام دهد، عبور از مانع تربیت‌های غیراسلامی و فهم‌های ناکارآمد از اسلام است. طبیعتاً جدی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه رهبر معظم انقلاب در ایام رهبری‌شان نیز باید مصروف عبور از این دو مانع شده باشد که شده است. همچنین در بیانات و تدابیر ایشان باید روش‌ها و برنامه‌های ناظر به گذر از این دو مانع منعکس شده باشند که منعکس شده است. به بیان روشن‌تر، منطقاً باید اشتغال اصلی رهبر نظام اسلامی، زمینه‌سازی و هدایت امور کشور در جهت رفع و برچیدن این دو مانع اصلی بوده باشد، که شده است.

۴. هم «تربیت‌های غیراسلامی» و هم «فهم‌های ناکارآمد از اسلام» ناشی از شرایط تاریخی امت اسلامی بوده است و طبیعتاً رفع آنها یک امر تدریجی و فرآیندی خواهد بود و یک شبه حاصل نخواهد شد. از دیگر سو، برای رفع این موانع باید همه ظرفیت‌های کشور و امت اسلامی به کار گرفته شوند و نمی‌توان با یک کار جناحی و حزبی و گروهی آن را مرتفع ساخت.

۵. تصریح معظم‌له در دیدار با طلاب و روحانیون در تاریخ ۹۶/۰۶/۰۶ مبنی بر اینکه ما هنوز در مرحله دولت اسلامی مانده‌ایم، حاکی از آن است که موانع ساخت اسلامی دولت هنوز برچیده نشده‌اند و جایگاه راهبردی انقلاب اسلامی در نقشه راه کلان انقلاب، هنوز تغییر چشم‌گیری نکرده است.

نتیجه آنکه حرکت به سمت دولت اسلامی نیازمند تربیت اسلامی است که خود در گرو فهم کارآمد از اسلام برای پاسخ‌گویی به مشکلات زمانه است. (ر.ک: ترقی، ۱۳۸۳) مؤیدات این دریافت در بیانات ایشان فراوان است. مثلاً در ۱۲ آذرماه ۱۳۷۹ در دیدار با کارگزاران نظام اسلامی، پس از برشمردن اهداف اسلام، فرمودند:

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به‌وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است ... انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است ... یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن ... بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان به‌گونه اسلامی ... دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. مرحله چهارم که بعد از این است، کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. ... هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم.



به‌طور کلی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، که خود از آموزه‌های اسلامی اشراق شده است، اصلاح حاکمان و طبقه دولت‌مردان بر اصلاح رعیت و عامه مردم مقدم است و بدون آن نمی‌توان به سمت جامعه‌سازی حرکت کرد. ایشان با استناد

به روایتی از امام باقر علیه السلام در اهمیت استقرار حاکمیت اسلامی در رأس جامعه اسلامی، متذکر می‌شود که اگر مدیریت جامعه از سلامت و عدل و تقوا و استقامت فاصله داشته باشد، حتی اگر گروه کثیری از مردم صالح باشند، نمی‌توانند جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کنند؛ چراکه تأثیر مجموعه مدیریت و دستگاه اداره‌کننده یک جامعه امر بسیار فوق‌العاده مهمی است که با هیچ امر دیگری جبران نمی‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰) به‌نظر معظم‌له، فقدان دولت اسلامی فقط مسئله ایران نیست، بلکه این خلأ گریبان‌گیر اکثر کشورها و ملت‌های اسلامی است. (همان)

۳. نظم مطلوب و آرمانی

در گام سوم باید مشخص کرد که به فرض تحقق دولت مطلوب اسلامی، چه نظمی در جامعه پیاده خواهد شد و چه شرایط آرمانی‌ای پیش خواهد آمد. گام سوم را می‌توان ناظر به مدینه فاضله موردنظر یک اندیشه‌مند دانست و به ارزیابی این نکته پرداخت که آیا این اندیشه‌مند این مدینه را صرفاً در ذهن خود ساخته، یا برای پیاده‌سازی آن برنامه واقعی دارد. به‌طور کلی، تصویر مطلوب و آرمانی آیت‌الله خامنه‌ای از شرایط مطلوب جامعه را در دو قالب حداقلی و حداکثری می‌توان جا داد. مراد از قالب حداقلی، تحقق جامعه و کشور اسلامی است که زیبایی و چشم‌گیری آن موجب توجه دیگر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان می‌شود و آنها را نسبت به الگوبرداری از جامعه اسلامی نمونه، مشتاق می‌کند. قالب حداکثری از نظم مطلوب و آرمانی نیز همان تمدن نوین اسلامی یا امت و دنیای اسلامی است. در این تصاویر، جوامع اسلامی به جایی می‌رسند که می‌توانند با استقرار کامل عدالت، تبعیض‌ها را از بین برده و فقر را ریشه‌کن کنند و عزت حقیقی را برای مردم به ارمغان بیاورند. در چنین حالتی، جایگاه امت اسلامی در روابط بین‌الملل نیز ارتقا پیدا خواهد کرد. (همو، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) ایشان معتقد است:

خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است ... از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به‌وجود آمد ... بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به‌وجود بیاورد ... این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آن‌چه که لازم است، با عمل به آن‌چه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از اینکه تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. (همو، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)

آیت‌الله خامنه‌ای، سبک زندگی را بخش حقیقی و اصلی تمدن برشمرده و آن را معادل «عقل معاش» در معارف اسلامی می‌داند. لذا ضمن تصریح بر این نکته که ما باید به‌دنبال تبیین و تدوین فرهنگ زندگی اسلامی باشیم، می‌فرماید:

اسلام بُن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از: خردورزی، اخلاق، حقوق و ... اگر ما به این مقولات به‌طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. (همو، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

۴. راه درمان یا نقشه راه تحقق نظم مطلوب و آرمانی

آیت‌الله خامنه‌ای راه درمان مشکلات کشور را تحقق دولت اسلامی مردم‌سالار می‌داند که به بنای تمدن نوین اسلامی خواهد انجامید. ایشان تصریح دارند:

امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان، یعنی مسئولان کشور، ملاک قرار دهیم، مردم‌سالاری دینی است. (همو، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

این مهم را می‌توان درون یک نقشه راه کلان و ملی پیگیری کرد.

مدلی که آیت‌الله خامنه‌ای برای تحقق تصویر آرمانی به‌دست می‌دهد دارای سه لایه است: محتوایی، برنامه‌ای و نقشه راهی. در لایه محتوا، بحث درباره طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و پیش‌نیازها و نیازمندی‌های آن است. در لایه نقشه راهی از طرح و تبیین پنج گام فرآیند تحقق اهداف اسلامی سخن گفته می‌شود و در لایه برنامه‌ای به استلزامات هریک از مراحل توجه می‌شود.

محتوای جامع برای اداره نظام سیاسی کشور براساس فهم‌های کارآمد و روزآمد از اسلام را می‌توان مسامحتاً «الگوی

اسلامی - ایرانی پیشرفت» نامید؛ سند بالادستی‌ای که به نوبه خود متوقف بر تحقق یک سلسله پیش‌نیازهای حیاتی است. این پیش‌نیازها عبارتند از: تولید نرم‌افزارهای اسلامی، تحول در علوم انسانی یا اسلامی‌سازی علوم انسانی، تولید فقه حکومتی و ساخت درونی نظام.

طبیعتاً در نگاه برنامه‌ای که آرمان را با واقعیت‌ها و مقدمات جامعه مرتبط می‌کند، دولت مطلوب اسلامی در عصر حاضر شاخص‌هایی دارد که عبارتند از: پایبندی به اعتقادات و اخلاقیات اسلامی، کار جهادی، عدالت اسلامی، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، قانون‌گرایی، خردگرایی و حکمت در کارها و تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زای کشور. (همو، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) تحقق این هفت شاخص در مرحله دولت اسلامی، درون عرصه‌های تعریف‌شده برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار دارد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از حیث نظری، جامع سه مرحله دولت مطلوب، جامعه نمونه و تمدن نوین اسلامی است و با صحنه گذاشتن بر تمایز میان الگوهای رایج توسعه به‌دنبال آن است که شعار راهبردی «نه غربی، نه شرقی، جمهوری اسلامی» را در سه مرحله «دولت‌سازی»، «جامعه‌سازی» و «تمدن‌سازی» دنبال کند. معظمله تصریح دارد که:

ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم، که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد؛ از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد؛ یک الگوی مستقل. (همو، ۹۲/۰۵/۱۵)

در این الگو، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت از سایر مؤلفه‌های زندگی اجتماعی انسان برجسته‌تر شده‌اند تا دولت اسلامی در دستیابی و پیاده‌سازی نظم مطلوب اسلامی، شاخص‌های موردنظر اسلام در این چهار عرصه را در جامعه تحقق و تعین ببخشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه می‌فرماید:

در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم ... عرصه دوم ... عرصه علم است ... عرصه سوم، عرصه زندگی است ... همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه به‌عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان عرصه زندگی می‌گنجد؛ مثل امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت ... عرصه چهارم - که از همه اینها مهم‌تر است و روح همه اینهاست - پیشرفت در عرصه معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن، این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود. (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، چهار کلان‌پروژه «نهضت نرم‌افزاری»، «تحول در علوم انسانی»، «تولید فقه حکومتی» و «ساخت درونی نظام» را می‌توان پایه‌های اصلی و ستون‌های بنیادین هدایت‌گری و رهبری ایشان جهت دستیابی و پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دانست و به‌این‌ترتیب تصویر زیر را به‌عنوان طرح راهبردی معظمله در دستیابی به ساخت اسلامی دولت عرضه کرد.



ساخت اسلامی دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

تا اینجای سخن، دستاوردهای پژوهش در چارچوب روش‌شناسی بحران نشان می‌دهد که مهم‌ترین عرصه چالش‌خیز نظام جمهوری اسلامی، کاستی‌ها و خلأهای مرتبط با مرحله ساخت اسلامی نهاد قدرت است که اصطلاحاً دولت‌سازی اسلامی نامیده می‌شود؛ مرحله‌ای که انقلاب اسلامی هنوز نتوانسته در آن به توفیق کامل و قابل‌قبولی دست یابد. دستیابی به این امر خطیر و تاریخ‌ساز نیازمند چهار اقدام عمده به نام تولید علوم انسانی اسلامی، نهضت نرم‌افزاری، تولید فقه حکومتی و تقویت ساخت درونی نظام است که با استحکام بخشیدن به ساختار سیاسی کشور، نظام سیاسی را به بلوغ لازم جهت تحقق بخشیدن به دولت اسلامی می‌رساند. در ادامه به ابعاد ماهوی دولت اسلامی مردم‌سالار در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم تا به درستی بدانیم مراد ایشان از ساخت اسلامی دولت به نحو خاص چیست.

اصطلاح «دولت»^۱ محوری‌ترین مفهوم علم سیاست است و نظریات متعدد و متفاوتی در این رابطه عرضه شده است؛ تاجایی که برخی بر این باورند که می‌توان دانش سیاسی را دانش مطالعه دولت و قواعد آن نام نهاد. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۶ - ۲۵) دیدگاه‌های مختلف موجود در رابطه با دولت را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد: گروه اول صاحب‌نظرانی هستند که دولت را معادل «حاکمیت» و سازمان اعمال قدرت می‌دانند؛ گروه دیگر نیز آن را به معنای «حکومت» و طبقه حاکمان تلقی می‌کنند. (عالم، ۱۳۷۶: ۱۳۴)

نظریات عرضه‌شده در رابطه با دولت نیز دارای تطورات متعددی بوده است. این نظریات را می‌توان در پنج شکل متمایز طبقه‌بندی کرد که عبارتند از: دولت مطلقه، دولت مشروطه، دولت اخلاقی، دولت طبقاتی و دولت کثرت‌گرا. (ر.ک: وینست، ۱۳۹۴) اگرچه نظریه دولت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با هریک از این پنج شکل قرابت‌هایی می‌تواند داشته باشد، اما تمایزات جدی با هریک از آنها این امکان را پدید آورده که بتوانیم از صورت‌بندی جدیدی در عرصه نظریات دولت سخن بگوییم؛ کاری که می‌تواند به نظریه نوینی در رابطه با نهاد قدرت بینجامد. طبیعتاً این ادعا نیازمند بررسی‌های مفصل‌تری است که این پژوهش مقدمه چنین کار عظیمی محسوب می‌شود. دولت اسلامی مردم‌سالار، به‌مثابه نهاد قدرت، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دارای پنج بُعد متقوم به هم است که در مجموع به ساخت‌یابی دولت اسلامی مردم‌سالار منتهی می‌شود. لذا اسلامی بودن دولت و پیشرفت در مرحله سوم از فرآیند تحقق اهداف اسلامی نیز منوط به میزان اسلامی بودن هریک از این ابعاد است. این پنج بُعد عبارتند از:

۱. منش و روش دولت‌مردان

اولین و جدی‌ترین بُعد دولت اسلامی مردم‌سالار، منش و روش دولت‌مردان و حاکمان یا جهت‌گیری‌های کلی، رفتارهای اجتماعی و فردی و نحوه انطباق آنها با اسلام است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) در مواردی از مرحله دولت اسلامی با عنوان «تشکیل منش و روش دولت‌مردان - یعنی ماها - به‌گونه اسلامی» یاد کرده و یادآور شده است:

[دولت‌مردان در این راستا] باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی. (همو، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

این نگاه کارکرد نظریه ساختار - کارگزار را در نسبت با نهاد دولت به چالش می‌کشد و بر اهمیت انسان در مقایسه با ساختار تأکید می‌کند. البته این سخن را نباید به این معنا گرفت که در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ساختارها فاقد اهمیت‌اند؛ بلکه مراد آن است که ساختارها نیز تابع سازندگان‌شان هستند و لذا انسان ساختارساز بر ساختار، غالب است. نتیجه اینکه برای دولت‌سازی اسلامی باید به تربیت انسان‌های ساختارساز همت گماشت.

۲. ساختارها، نهادها و بنیان‌ها

پی‌ریزی بنیان‌های اجتماعی و ایجاد ساختارها و سازمان‌های متناسب با آن‌ها، یکی از مراحل درونی دولت‌سازی است.

1. State.

منظور از ساختارها و نهادها و بنیان‌های دولت اسلامی آن است که مجموعه کارگزاران نظام اسلامی در چارچوب نوع خاصی از سازمان‌دهی، تشکیلات و تقسیم کار، درصدد تحقق اهداف اسلام برمی‌آیند. شکل کلی این نهادها و بنیان‌ها در مرحله نظام اسلامی و در متن قانون اساسی مشخص شده است. آیت‌الله خامنه‌ای در جایی مجموعه نهادهای مدیریتی مطرح‌شده در قانون اساسی را معادل دولت اسلامی دانسته‌اند. (همو، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

۳. نظامات

بُعد مهم دیگر دولت اسلامی مردم‌سالار، بُعد نظامات اداره‌کننده کشور است. آیت‌الله خامنه‌ای گاهی از نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور - در کنار دستگاه‌های مدیریتی - تحت عنوان دولت اسلامی یاد کرده‌اند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴) منظور از نظامات عبارتند از: قوانین موضوعه‌ای همچون؛ نظامات بانکی، نظامات مالی و نظامات گمرکی، (همو، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گنجد و به نوبه خود در احکام و آموزه‌های اسلامی ریشه دارند. نظامات، مفاهیم و شاخص‌های مطلوبی هستند که موجب ایجاد یک جهت واحد و مشخص در طرح‌ریزی‌های راهبردی، برنامه‌ریزی‌های کاربردی، تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های مختلف کشور می‌شوند. اهمیت استقرار نظامات صحیح و الهی به این مطلب برمی‌گردد که حاکمیت و استمرار یک حرکت صحیح در عمومیت جامعه، ناشی از وجود نظامات صحیح در آن جامعه است. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل اغماض است؛ یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است. بالاخره می‌تواند این جامعه را، این افراد را به سرمنزول مقصود برساند؛ برخلاف اینکه اگر چنانچه اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود ... اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالاخره به سرمنزول مقصود برساند ... بنابراین مسئله اطاعت کلان و اینکه انسان خط الهی را جست‌وجو کند و بیابد و آن را دنبال کند، بسیار اهمیت پیدا می‌کند. (همو، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶)

در مواردی ممکن است بخشی از نظامات دولت اسلامی مردم‌سالار - با تکیه بر اصول غیرقابل‌تغییر نظام - مورد ترمیم و تکمیل واقع شود. لذا نظامات دولت، ماهیت سیال و ژله‌ای دارند و در مواضع مختلف تکامل نظام، در مسیر فرآیند تحقق اهداف اسلامی، می‌توانند تکامل‌پذیر باشند. به بیان دیگر:

نوسازی به معنای تغییر نظامات، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی و ممکن است؛ در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد. (همو، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

۴. نرم‌افزارها

منظور از نرم‌افزار در دولت اسلامی عبارت است از بسته‌های سیاست‌گذاری شده‌ای که به یک سلسله دانش‌های بومی و اسلامی تکیه دارند. به بیان دیگر، بُعد نرم‌افزاری دولت اسلامی، علوم انسانی - اسلامی‌ای است که به شکل بسته‌های قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری تبدیل شده و به دستگاه‌های حکومتی جهت به‌کارگیری در نظامات مختلف ابلاغ می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است: «سیاست‌گذاری یک زیرساخت نرم‌افزاری است؛ انتخاب سیاست‌های خوب» (همو، ۱۳۸۸/۰۴/۰۷) «نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل چهل‌وچهار، سند چشم‌انداز و ...». (همو، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱) این زیرساخت‌ها باید توسط دانشگاه‌ها و مراکز تولید علم در اختیار دولت اسلامی قرار داده شوند. ایشان تأکید دارند:

امروز ما به جنبش نرم‌افزاری احتیاج داریم. یک جنبش و یک حرکت و یک تلاش عمومی لازم است. این تلاش عمومی فقط وابسته به مدیریت‌ها نیست. (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳) دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)

بعد نرم‌افزاری دولت اسلامی از آن حیث دارای اهمیت است که موجب پشتیبانی و تغذیه محتوایی دستگاه قانون‌گذاری کشور می‌شود و ابعاد دولت را از صرف کارگزاری که در دستگاه دیوانی حضور دارند، فراتر برده و امتی را پیرامون دولت، به‌مثابه تغذیه‌کننده محتوایی دولت پدید می‌آورد. طبیعتاً نقص در بعد نرم‌افزاری موجبات ناکارآمدی دستگاه قانون‌گذاری کشور را به‌دنبال خواهد داشت.

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دستگاه‌های اجرایی در حکم سخت‌افزارهای حاکمیت هستند که نرم‌افزار قانون در آن سوار می‌شود. هرگاه دستگاه‌های ذی‌ربط در قانون‌گذاری - اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی - بتوانند با بهره‌گیری از یک نگاه هوشمندانه، جامع، مؤثر و صحیح در ابعاد گوناگون زندگی به قانون‌گذاری بپردازند و خلأهای جامعه را از حیث حقوقی پر کنند، دولت‌مردان خواه‌ناخواه کارشان سامان خواهد گرفت. ایشان تصریح می‌کند: «یک سخت‌افزار خوب با یک نرم‌افزار ناقص و غلط هیچ محصولی نخواهد داشت». (همو، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸)

۵. الگو

منظور از الگو، مدل کلان حرکت دولت اسلامی و آرایش فعالیت‌های مختلف و متعدد آن به‌منظور تحقق اهداف اسلامی است. به‌واسطه وجود یک الگوی مستقل و بومی در دولت است که می‌توان از قرار گرفتن در هژمونی‌های بیگانه‌هایی پیدا کرد و زمینه تکثیر نظام سیاسی و تحقق تمدن جدید را امید بست. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باور است که اندیشیدن درمورد الگوی توسعه و مدل حرکت به‌سمت جلو، واجد احساس استقلال در یک ملت است و یک ملت آزاده را از تکیه کردن به الگوهای بیگانه‌هایی می‌بخشد. (همو، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

نتیجه

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی بود که «بحران‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی در چه خلأ راهبردی ریشه دارند؟» هدف از پاسخ‌گویی به این پرسش، بررسی جوانب مختلف امکان و ضرورت دستیابی به لوازم ساخت اسلامی نهاد «دولت» در نظام جمهوری اسلامی بود. این مهم با استفاده از روش اسنادی و بهره‌گیری از روش‌شناسی بحران (اسپریکنز) و با استناد به اندیشه سیاسی - اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) دنبال شد و این مدعا را به معرض آزمون گذاشت که ناقص طی شدن مراحل ساخت درونی قدرت در نظام جمهوری اسلامی، خاستگاه آسیب‌های متعدد اجتماعی در جامعه سیاسی ایران است. این نقص در عدم کفایت ملاک‌های اسلامیت در پنج عنصر «منش و روش دولت‌مردان»، «ساختارها، نهادها و بنیان‌ها»، «نظامات»، «نرم‌افزارها» و «الگوها» ریشه دارد؛ کاری که باید با تأمین شاخص‌های اسلامیت در عناصر مذکور، به ساخت اسلامی دولت منتهی شود. این شاخص‌ها به‌دلیل عدم بهره‌مندی از معنویت لازم و همچنین قرارگرفتن در دایره تأثیر تربیت‌های طولانی‌مدت غیراسلامی، در زمان حاکمیت سلاطین فاسد و جائر، با ضعف‌های جدی توأم شده‌اند. عدم فهم کارآمد از اسلام نیز که خود معلول عوامل یادشده بوده است نیز این وضعیت را تشدید کرده و جهان اسلام را در فقدان نهاد قدرت برخاسته از آموزه‌های اسلامی قرار داده است.

در اندیشه سیاسی - اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به‌مثابه یک ابرسیاست نگریست که در مجموع می‌خواهد به‌سمت تحقق دولت اسلامی و مراحل بعد از آن راه‌گشایی نماید. این الگو به نوبه خود نیازمند چهار اقدام کلان نهضت نرم‌افزاری، تحول در علوم انسانی، تولید فقه حکومتی و ساخت درونی نظام است تا در چهار عرصه: فکر، علم، زندگی و معنویت، کیفیت شاخص‌های اسلامیت در جامعه مسلمانان را ارتقا ببخشد و بلوغ لازم برای دولت‌سازی اسلامی را فراهم آورد.

در گام آخر پژوهش، ابعاد دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای موردتوجه قرار گرفت و مشخص گردید که دولت از نظر معظم‌له پنج بُعد «منش و روش دولت‌مردان»، «ساختارها، نهادها و بنیان‌ها»، «نظامات»، «نرم‌افزارها» و «الگوها» را دربر می‌گیرد؛ به‌بیان‌دیگر، ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام مردم‌سالاری دینی منوط به ارتقای شاخص‌های اسلامیت در هریک از این ابعاد است.

این پژوهش بر این مطلب تأکید دارد که مهم‌ترین کلید برای عملیاتی شدن دولت‌سازی اسلامی را باید در بیرون از

ساختار نظام سیاسی و نهادهای رسمی جستجو کرد. در این راستا حوزه‌های علمیه به‌عنوان تولیدکننده احکام حکومتی و دانشگاه‌ها به‌عنوان تولیدکننده نظامات، الگوها و نرم‌افزارها در اولویت قرار دارند. به‌بیان‌دیگر، قوای حاکمه کشور، مصرف‌کننده تولیداتی هستند که در این دو نهاد علمی عرضه می‌شود. هرگاه این تولیدات از ملاکات اسلامی مناسب برخوردار باشند، حرکت به‌سمت دولت‌سازی اسلامی و ساخت اسلامی نهاد قدرت شتاب خواهد گرفت.

منابع و مأخذ

۱. اسپریگنز، توماس، ۱۳۹۲، *فهم نظریه‌های سیاسی*، تهران، آگه، ج ۷.
۲. بشیریه، حسین، ۱۳۹۳، *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*، ترجمه علی اردستانی، تهران، نگاه معاصر.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir>
۴. ترقی، حمیدرضا، ۱۳۸۳، *شرحی بر حدیث ولایت: فرآیند انقلاب اسلامی*، قم، خادم الرضا.
۵. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۶، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نی، ج ۳.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، ج ۲، محقق و مصحح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب اسلامیة، ج ۴.
۷. وینسنت، اندرو، ۱۳۹۴، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی، ج ۱۰.

